هو الله - ای ياران و اماء رحمن جناب آقا سيّد مهدی در هر چندی نامه‌ای نگارند و اسمائی به دفتر آرند.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ١٨٩

### هو الله

ای ياران و اماء رحمن جناب آقا سيّد مهدی در هر چندی نامه‌ای نگارند و اسمائی به دفتر آرند. چنان ملاحظه نمايند همين قسم که به کمال سهولت ايشان اين اسما را پياپی می‌نگارند اين عبد نيز از کثرت وسعت اوقات نيز به کمال سهولت نامه‌ها نگارد و ارسال دارد و حال آنکه اوراق بی‌پايان بی‌جواب و معطّل و معوّق مانده و مسائل مسئوله جوابش در عهده تأخير باقی، فرياد است که از اطراف بلاد بلند است، با وجود اين چگونه وسعت در تحرير نامه‌های متعدّد يابد. مع‌ذلک مخاطباً بجميع شما محض خاطر ياران اين نامه نگاشته گشت تا بدانيد که در اين بساط چقدر عزيزيد و در درگاه ملکوت مقبول و محبوب و مقرّب و محظوظ از هر چيز. اصل ياد دل و جانست نه اثر خامه و بنان. حضرت فخر رسل سرّ وجود به ظاهر به اويس قرن در يمن نه نامه‌ای نگاشت و نه ملاقاتی حاصل گشت با وجود اين انّی اجد رائحة الرّحمن من جانب اليمن می‌فرمود زيرا آن يمن کوی و وطن حضرت اويس قرن بود. پس معلوم شد که مخابرات روحانی عظيم‌تر و بهتر و شيرين‌تر است. عبدالبهآء در جميع احيان به ذکر ياران مشغول و از عتبه حضرت رحمن مستدعی عون و عنايت است تا شامل حال عموم گردد و تأييدات حيّ قيّوم جلوه نمايد. جميع ياران الهی و اماء رحمن را تحيّت ملکوت ابهی برسانيد و عليکم و عليکنّ التّحيّة و الثّنآء. ع ع

### هو الله

ای دوستان حقيقی من مدّتی است که اخبار مسرّه و حوادث مفرّحه از آن صفحات چنان که بايد و شايد نرسيده. اين ايّام بايد که احبّای الهی چنان وله و اهتزاز و انجذاب و اشتعالی ظاهر نمايند که اهل ملأ اعلی واله و حيران گردند. ابلهان بيخردان چنان پنداشتند که از مصائب يزد آتش موسی خاموش شد و روح مسيحا مقطوع گشت هيهات هيهات بلکه سراج امر مشعله شد و نجم بازغ محبّت اللّه جلوه آفتاب نمود. يريدون ان يطفئوا نور اللّه بافواههم و يأبی اللّه الّا ان يتمّ نوره و لو کره الکافرون. ع ع